

## چطور و چگونه ما می توانیم شناختی درباره خداوند داشته باشیم؟

هر انسانی شناختی اجمالی از خداوند در فطرت خود دارد (شناخت طبیعی از خداوند). انسان با يك ارتباط و پیوستگی نسبت به خداوند آفریده شده است. خداوند انسان را به شکل خود و به صورت عکسی که به او شباهت دارد خلق کرده است. (۱، موسوی ۲۷؛۱: در کلام یعنی، به صورت يك سایه ای که ترسیم کننده نقش و تصویر خداوند است.) و هر چه انسان بیشتر به بار گناهان خود افزود، این تصویر هماهنگ با خداوند بیشتر مخدوش شد.

اینکه هر انسانی دارای يك تصویر مشابه پروردگار است باعث کرامت (کرامت انسانی) اوست و ما نیز باید از این دید با هر انسانی برخورد کنیم و این فارق از این قضیه می باشد که اصل و نسب و قوم و مذهب او چیست. انسان میبایست آینه ای از ویژگی های پروردگار خود باشد: عدل، معرفت، صبر، نیکی و محبت، اجتماعی بودن (ازواج) و همه اینها باید در او نمایان باشد. او مسئول همه این امور است و خداوند او را به حکمرانی این عالم رسانده است. ولی این صفات نیک و فطرت پاک انسان از طریق گناه به فساد کشیده شد. حال این امر چطور رخ داده؟

در انجیل ما خواندیم که خداوند در ابتدا آسمانها و زمین را خلق کرد و سپس گیاهان و حیوانات را و در پایان آدم و حوا را به عنوان انسان در بهشت آفرید (۱، موسوی ۲-۱)، همه میوه های درختان را آنها اجازه داشتند بخورند، بجز از يك درخت که خداوند آنها را از خوردن میوه آن منع کرده بود. ولی حوا فریب شیطان را خورد که به شکل مار در آمده بود و از میوه آن درخت خورد. شیطان بی وفائی نسبت به خداوند را در دل انسان بیادر کرد: "خداوند نیت خوبی در مورد شما ندارد و او می خواهد چیزی را از شما مخفی کند. وقتی شما از میوه این درخت بخورید، آنگاه شما نیز به مانند خداوند خواهید شد."

حوا از این میوه خورد و به آدم نیز از آن داد و این آغازی شد که انسانها نافرمان شدند، به گناه افتادند، خواستند که سرور خود باشند و حال نیز چنین است، "خودشان می خواهند مثل خدا باشند." گناه و بدی قلب را بیمار و سمی کردند. آنان بخاطر این گناه از بهشت رانده شدند و فناپذیر شدند. (۱، موسوی ۳)

وقتی انسان اولیه به دام گناه افتاد، انسانهای دیگر به عنوان گناهکار به دنیا آمدند. این را ما از آدم و حوا به ارث بردیم (گناه ارثی). این به این معناست که هر انسانی زمینه نافرمانی در برابر فرمانهای خدا را همیشه خواهد داشت و همیشه به گناه دچار خواهد شد. مجازات به حق خداوند برای گناه مرگ و لعنت و جهنم می باشد و حتی اگر کسی به سختی سعی در اجرای فرامین خداوند داشته باشد نیز نخواهد توانست فرمانهای او را به طور کامل نگاه داشته و او را به طور خالص دوست بدارد. زیرا قلب انسان توسط گناه دچار خودخواهی و نافرمانی و فساد شده است و از این رو ما را همیشه به گناه رهنمود می کند. ولی در قلب انسان هنوز فطرت او باقیست.

این خواست های خداوند به صورت کامل از طرف خداوند وصف شده و تنها اوست که توان به انجام رساندن کامل این فرامین را دارد. با این فرض در واقع دارند به ما می گویند که رفتار خود را در آینه به صورت انتقادی ببینیم و صدای خدا را شنیده و به سوی خدا بازگردیم (رومیان ۲: ۱۵-۱۴)، بنابراین هر انسانی دارای بخشی از صفات خدا می باشد و همچنین بخشی از خوبی و بدی در وجود او قرار دارد. از این رو انسان این حس را دارد که باید جوابگوی گناهانی باشد که در برابر خداوند مرتکب شده است و باید از مجازاتی که در انتظار اوست بترسد. اما انسان همزمان يك حسرتی برای يك "مدینه فاضله" دارد یعنی دوست دار بهشت است و امیدوار است تا به بعد از مرگ زندگی کند.

به همین دلیل انسان این سوالات را در ذهن دارد که، خدا چگونه است، چطور من میتوانم به آسانترین شکل

خدا را از خود راضي كنم و يا از مجازات او دور بمانم و يا چطور مي توانيم بعد از مرگ به آسمان راه يابيم؟

در اين جا انسان شروع به تفكر مي كند و تفكرات او همراه با آرزو و حدس هاي او و گمانه زني ها در اين باره مي شود. ولي وجوديت خداوند چيزي فراي تفكرات ماست

به دليل همين چيزها مذاهب مختلف و غلط ديگر شكل گرفته است كه اسلام يكي از آنان مي باشد. انسانها در قلب خود تصويري از خداوند براي خود ترسيم مي كنند و اين چيزي مي باشد كه خداوند در فرمان اول خود به شدت منع کرده است. (۲، موسوي ۴:۲۰).

اين تصويري كه در ذهن است معمولاً تصويري ناقص و اشتباه و همراه با توهين به منزلت خداوند مي باشد كه هماهنگ با ذهنيت و خواسته ماست كه در واقع يك تصوير از بت مي باشد ( مثل آن گوساله طلائي ۲، موسوي ۳۲:۶-۱ / مزامير ۱۰۶:۱-۲۰ / روميان ۱:۲۳).

حتي در اسلام نيز آنچه به عنوان خداوند تصوير شده است يك تصوير همراه با جبر و اشتباه است و خداوند ماهيت ديگري دارد نسبت به آنچه كه محمد در قران گفته است. و همه اينها تنها به خاطر تلاشي مي باشد كه انسانها براي رسيدن به بهشت داشتند و براي اين راه اشتباه آنان به تباهي رسيدند.

در انجيل همه چيز نوشته شده است كه خواست خداوند چيست و او چه کرده است. براي اينكه همه چيز به درستي و بدون خطا نوشته شود خداوند با روح مقدس خود از آن محافظت کرده است. (برخي از مطالب انجيل را نيز بعدها محمد شنيد و احتمالاً درك درستي از آن نداشت و براي هدف خود آن را تغييراتي داد و تفكرات خود را در آن دخيل كرد و اين همان راه اشتباه قران را شكل داد).

اگر ما راه واقعي رسيدن به خدا و زندگي جاودان را بخواهيم ياد بگيريم، ابتدا بايد ببينيم كه خداوند به ابراهيم و اسحاق و يعقوب و موسوي و پيامبران ديگر چه گفته است و او چگونه آنان را در زندگي هدايت کرده است. در بين شعله هاي آتش خدا با موسوي سخن گفت و او خود را "يهوه" ناميد (۲، موسوي ۱۴:۳). معني نام خدا اين است كه: من رحمان و رحيم هستم و صبورم و از روي لطف و كرامت بي نهايتي كه دارم و از سر معرفت گناهان و اعمال بد و بي وفائي ها را مورد مغفرت قرار مي دهم. ولي او همه كساني را كه به گناهان خود اقرار نكنند و طلب بخشش نكنند را مجازات خواهد كرد.

از مطالب انجيل درمياييم كه انسان توان رهايي از گناه و مجازا خداوند را نخواهد داشت. از طرفي مي دانيم كه خداوند عادل است و جزاي گناه چيست، ولي خداوند رحيم است و نميخواهد انسان دچار مرگ شود بلكه مي خواهد او را نجات دهد. انسان اين را ميداند كه خداوند رحمان است و اگر او به گناه خود اعتراف كند و طلب بخشش نمايد، خداوند از طريق پسر خود عيسي مسيح اين لطف را وعده داده است كه انسان را به حيات جاودان برساند. اين را بايد همه ما قبول کرده و به ان ايمان آوريم و به ان اعتماد كنيم. اين همان وعده نيك خداوند است كن از طريق انجيل و به واسطه عيسي آمده است.

خداوند تصوير حقيقي خود را در پسر خود عيسي مسيح نشان داد، تصويري از لطف و بخشش و كرامت و محبت. (يوحنا ۱۲:۴۵ / ۲، قرننتيان ۴:۴).

كرامت و حيات جاودان و بخشش را خداوند به ما هديه مي دهد وقتي كه ما به اين ايمان داشته باشيم كه عيسي مسيح پسر خداوند گناهان انسان ها را به دوش كشيد و مجازات مرگ را بر روي صليب خود متحمل شد. عيسي فرموده: (يوحنا ۱۳:۳) " خداوند اين عالم اينقدر محبت نمود كه حتي تنها پسر خود را براي آن داد تا همه كساني كه به او ايمان آورند، دچار سردرگمي نشوند و به حيات جاودان راه يابند. "

از آنجا که عیسی پسر خداوند بود و همچنین هیچ گناهی نکرده بود از بین مردگان برخاست و به نزد خدای پدر در آسمان عروج کرد.

تا برای خیلی از انسانها این امکان باشد تا گناهانشان بخشیده شود و بتوانند به آسمان بروند. عیسی به شاگردانش و اجتماع کلیسا فرموده است: " بروید و مردم را شاگردان من سازید ( به سوی مردم بروید و آنان را نسبت به من ایماندار کنید) همه قوم ها را:

انان را تعمیم دهید به نام پدر، پسر و روح مقدس و به آنان تعلیم دهید تا همه به فرمان هایی که من داده ام عمل کنند. (متی ۲۸؛ ۲۰-۱۹)"

(مرقس ۱۶؛ ۱۶-۱۵): "پس بدیشان گفت، در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید ( و عده نیک انجیل). هر که ایمان آورده ( به عیسی و بخشش او)، تعمیم یابد نجات یابد و اما هر که ایمان نیاورد ( به عیسی و بخشش او) بر او حکم خواهد شد."